

پژوهش‌ها و ترجمه‌های مربوط به فردوسی و شاهنامه در اتحاد جماهیر شوروی (سابق)

ابوالقاسم رادفر

نزدیک به هزار سال است که شاهنامه فردوسی همچون گوهری تابناک، فرا روی محققان، هنرمندان، شاعران و فرزندگان این مرز و بوم و دیگر کشورهای جهان بوده و هست؛ زیرا محتوای این اثر حماسی در واقع چیزی جز بیان خواست‌ها و آرزوها و بالندگی‌های یک ملت و در نهایت، آرمان‌های دلخواه مردم همه جهان نیست. از این رو، این کتاب عظیم همواره موضوع تحقیق، تتبع و ترجمه قرار گرفته و جلوه‌گاه هنرپردازی‌های هنرمندان گوناگون بوده است و خواهد بود. اگر فقط به جنبه تصویری این شاهکار بزرگ و تصاویری که زیور نسخ شاهنامه و کتاب‌های پیرامون آن است توجه کنیم، درمی‌یابیم که کم‌تر کتابی تا به این اندازه قلمرو هنرآفرینی‌های هنرمندان تذهیب و مینیاتور و نقاشی و خط واقع شده است. هر چند خسته نظامی گنجوی هم از این جهت در خور ذکر است.

شهرت عالم‌گیر این اثر موجب شده است که شماری از پژوهشگران و مترجمان دیگر زبان‌ها به تصحیح و ترجمه شاهنامه اقدام کنند و در ابعاد مختلف به تتبع و تحقیق درباره آن بپردازند، نکات تاریک و مبهم زندگانی و افکار فردوسی را روشن نمایند و شاهکار ارزشمند او را هر چه بهتر بشناسانند. ماحصل این تحقیقات بسیار گسترده، کتاب‌ها و مقالات فراوانی بوده است که درباره شاهنامه و سراینده نامدار آن نوشته‌اند. همچنین این اثر بزرگ به بیش از سی و پنج زبان ترجمه گردیده که این ترجمه‌ها خود موجب آفرینش آثار ارزنده‌ای در سطح ادبیات جهان شده است. شرح تمام این تحقیقات و

تأثیرپذیری‌های شاهنامه با ترجمه‌های آن خود، کتابی مفصل خواهد شد که در اینجا ما را چنین کاری جایز نیست. زیرا همان طور که از عنوان مقاله برمی آید، هدف از نوشتن این مقاله معرفی تحقیقات مربوط به شاهنامه و ترجمه‌های آن در زبان‌های مهم اتحاد جماهیر شوروی (سابق) بوده است که برای سهولت، آن را به دو بخش جداگانه با عناوین زیر تقسیم کرده‌ایم:

الف - پژوهش‌های انجام شده درباره فردوسی و شاهنامه؛ ب - ترجمه‌های شاهنامه در زبان‌های مهم شوروی (سابق).

بخش اول - پژوهش‌های انجام شده درباره فردوسی و شاهنامه

آذری:

در سال ۱۹۳۴ م، گزیده اشعار شاهنامه فردوسی^۱ زیر نظر آ. آخوندوف، توسط مرکز انتشارات دولتی آذر نشر در باکو چاپ شد.

ارمنی:

در ۱۹۳۴ م، منتخبات شاهنامه به مناسبت هزاره فردوسی و در ۱۹۴۸، کتاب منابع ایرانی درباره ارمنه، بر مبنای شاهنامه تألیف آ. آچاریان، توسط مرکز دولتی نشریات ارمنستان در ایروان چاپ شد. در ۱۹۶۷، شاهنامه و مآخذ ارمنی آن^۲ تألیف ای. ای. شهسواریان، فارغ‌التحصیل رشته ایران‌شناسی در دانشکده خاورشناسی دانشگاه ایروان، در ایروان انتشار یافت (شجاع‌الدین شفا ۱۳۴۸: ج ۱).

ازبکی:

نسخه‌ای خطی و نفیس از شاهنامه در کتابخانه تاشکند موجود است. در کتابخانه آکادمی علوم ازبکستان نیز نسخه‌ای از شاهنامه به خط محمدمراد سمرقندی کاتب قرن دهم، و نسخه‌ای از یوسف و زلیخا، کار مکتب هرات در قرن نهم هجری، نگاهداری می‌شود.

1. *Firdousi: Shakh-name, Izbrannye poemy*

2. *Shakh-name i armyanskie istochniki (na armyanskom yazyke)*

پژوهش‌ها و ترجمه‌های مربوط به فردوسی و ... ۲۰۷

(شجاع‌الدین شفا ۱۳۴۸: ج ۱، صص ۱۰۴۰، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷).

تاجیکی:

در ۱۹۳۸ م، برگزیده‌ای از شاهنامه به زبان فارسی در استالین‌آباد منتشر شد. در ۱۹۴۰، داستان رستم و سهراب از شاهنامه، به فارسی در استالین‌آباد نشر یافت. در همین سال، کتاب درباره فردوسی و شاهنامه او تألیف صدرالدین عینی، در استالین‌آباد چاپ شد. در ۱۹۴۳ متن فارسی دو اثر با عناوین: الماس‌های دلاوری یا قطعاتی از شاهنامه، گردآوری و مقدمه و حواشی از ابوالقاسم لاهوتی؛ و منتخب شاهنامه فردوسی، در استالین‌آباد منتشر گردید. همچنین در ۱۹۴۸ کاوه آهنگر منظومه ابوالقاسم لاهوتی، در استالین‌آباد چاپ شد. در ۱۹۵۴، اثری با عنوان مقام شاهنامه فردوسی در ادبیات تاجیکی قرون نهم و دهم میلادی^۱ تألیف ام. ان. عثمانوف^۲، در مسکو انتشار یافت. در ۱۹۵۴ متن فارسی داستان رستم و کاوس، فصلی از شاهنامه، و نیز در ۱۹۵۵ (۱۹۶۰) متن فارسی منظومه‌هایی از شاهنامه در دو جلد، هر دو توسط مرکز انتشارات دولتی تاجیکستان در استالین‌آباد چاپ شد. همچنین کمال‌الدین عینی فرزند صدرالدین عینی، بنیانگذار مکتب ادب تاجیکی، متن تاجیکی شاهنامه را در نه جلد به چاپ رسانده است (شجاع‌الدین شفا ۱۳۴۸: ج ۱، صص ۱۲۳۷، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۹۵).

روسی:

تصحیح و تحقیق و ترجمه شاهنامه برای نخستین بار، در قرون جدید توسط شرق‌شناسان انجام گرفته است. در شوروی (سابق) مهم‌ترین یادبودی که به ایران مربوط می‌شود هزاره فردوسی است که در سال ۱۹۳۴ م، به طور همزمان در مسکو و لنینگراد و پایتخت‌های هفت جمهوری از جمهوری‌های مختلف شوروی (سابق) برپا گردید و بدین مناسبت، چندین ترجمه از شاهنامه فردوسی به زبان‌های روسی، گرجی، ارمنی و آذربایجانی منتشر شد و آثار تحقیقی متعددی نیز درباره فردوسی در جمهوری‌های مختلف این کشور انتشار یافت.

1. Mesto. Shakh-name Ferdousi v tadzikskoi literature IX-X vv.

2. M. N. Osmanov

در ۱۹۳۴م انستیتو خاورشناسی آکادمی علوم شوروی (سابق)، با نام فردوسی^۱ نشریه‌ای رسمی در لنینگراد منتشر کرد و در آن چگونگی برگزاری این یادبود را در شوروی (سابق) درج کرد. مجموعه مقالات این نشریه توسط پی. والگین^۲ و بی. وی. لگران^۳ گردآوری شده است. در ۱۹۳۴، نسخه‌های خطی شاهنامه، مجموعه گردآوری شده در لنینگراد تألیف تی. گوزالیان^۴ و ام. دیاکونوف^۵، در لنینگراد چاپ شد. در ۱۹۳۵، کتاب ابوالقاسم فردوسی و کار هنری او^۶ تألیف ای. ای. برتلس^۷، در لنینگراد و مسکو چاپ شد. در همین سال، کتابی نیز با عنوان میناتورهای ایرانی نسخه‌های خطی شاهنامه، در مجموعه‌های موزه دولتی ارمنستان لنینگراد، تألیف ال. تی. گوزالیان و ام. دیاکونوف و تصحیح ای. ان. تیخونوف^۸، در لنینگراد منتشر شد. در ۱۹۴۰، زندگی و کار هنری فردوسی^۹، تألیف دیاکونوف، از سوی فرهنگستان علوم اتحاد شوروی (سابق) در مسکو و لنینگراد انتشار یافت. در ۱۹۴۱، کاوه آهنگر، منظومه فارسی ابوالقاسم لاهوتی (با مضمون شاهنامه)، در مسکو و لنینگراد چاپ شد. در ۱۹۵۹، زندگی فردوسی و خلافت او^{۱۰} تألیف ام. ان. عثمانوف، با نظارت آی. اس. براگینسکی^{۱۱}، در مسکو چاپ شد. در ۱۹۶۰، کتاب هنر نقاشی و مجسمه‌سازی باستانی و شاهنامه^{۱۲}، تألیف ای. ام. بلنیتسکی^{۱۳}، در مسکو چاپ شد. بین سال‌های ۱۹۶۲-۱۹۶۸، هیأتی از دانشمندان انستیتوی ملل آسیا متن کامل و منقح (انتقادی) فارسی شاهنامه فردوسی را در نه جلد به چاپ رسانیدند. در تنظیم این متن از کهن‌ترین نسخ خطی معتبر شاهنامه متعلق به کتابخانه‌های مختلف جهان استفاده شده است، از جمله: نسخه‌های خطی موزه بریتانیا (۶۷۵ هـ ق)، کتابخانه عمومی

1. *Ferdousi*. 1934. *Instituta vostokovedeniya Akademii Nauk SSSR i Gosudarstvennuy Ermitazh*.
2. P. Volgin
3. B.V. Legran
4. L. T. Guzalian
5. M. Dyakonov
6. *Abu-l-kasim Firdousi i ego tvorchestvo*
7. E. E. Bertels
8. A. N. Tikhonova
9. *Ferdousi, Zhizn i tvorchestvo*
10. *Ferdousi, Zhizn i tvorchestvo*
11. I. S. Braginskii
12. *Drevnee izobrazitelnoe iskusstvo i "shakh-Name."*
13. A. M. Belenitskii

«سالتیکوف شچدرین»^۱ لنینگراد (۷۳۳ه.ق)، شاهنامه بایسنغری کتابخانه سلطنتی ایران (سال ۸۴۲ه.ق)، انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم اتحاد شوروی (یکی مربوط به سال ۸۴۹ه.ق و دیگری در حدود سال ۸۵۰ه.ق)، و ترجمه عربی شاهنامه کتابخانه قاهره (که در سال‌های ۶۱۵-۶۲۴ه.ق توسط فتح بن علی بنداری اصفهانی انجام گرفته است). کار تنظیم و چاپ این شاهنامه از سال ۱۹۵۵م، زیر نظر برتلس ایران‌شناس فقید شوروی، آغاز و قسمتی از کتاب به دست خود او آماده چاپ شد. ولی با درگذشت وی در سال ۱۹۵۷، آکادمی علوم اتحاد شوروی هیأتی مرکب از برتلس^۲ (فرزند برتلس فقید)، گوزالیان، بانو ا. اسمیرنوا^۳، عثمانوف، و طاهرجانوف^۴ را عهده‌دار ادامه این کار کرد. بعداً دانشمندان ایران‌شناس دیگری چون براگینسکی و رستم علی‌یف^۵ و مخصوصاً باباجان غفوروف^۶، رئیس انستیتوی خاورشناسی آکادمی علوم شوروی، با این عده همکاری کردند. انستیتوی ملل آسیا در نظر داشت، پس از پایان چاپ دوره کامل شاهنامه، فرهنگ جامعی از اشعار فردوسی را نیز با همکاری عده‌ای از دانشمندان ایران‌شناس تدوین و چاپ کند. در سال‌های ۱۹۶۵ و ۱۹۶۶م، متن کامل شاهنامه فردوسی در نه جلد (چاپ دوشنبه) انتشار یافت. در ۱۹۵۹ (۱۳۳۸ش) هیأت اعزامی انستیتوی ادبیات آکادمی علوم ترکمنستان، در سفری که به منظور مطالعات تحقیقی به عشق آباد کرد، یک نسخه خطی بسیار قدیم از شاهنامه به دست آورد که در حدود هزار سال پیش نوشته شده است. این کتاب که دارای ۱۴۰۰ صفحه است، با خط نسخ کتابت شده و قبلاً متعلق به متولی یکی از مدارس مذهبی ایالت «مرو» بوده است. کتابخانه دولتی عمومی ام. ای. سالتیکوف شچدرین، یکی از مهم‌ترین مراکز کتب و نسخ فارسی شوروی است که در ۱۸۱۴م در سن پترزبورگ تأسیس شد. برخی از کتب خطی فارسی این کتابخانه از نفیس‌ترین کتب نوع خود در تمام جهان است. از این قبیل است: نسخه خطی معروف شاهنامه فردوسی که در سال ۷۳۳ه.ق کتابت شده و به لحاظ تاریخ تحریر،

1. Saltikova- Shchedrina

3. O. I. Smirnova

5. R. Alicv

2. A. E. Bertels

4. A. T. Tagirzhanov

6. B. B. Gafurov

پس از نسخه موزه بریتانیا در لندن، قدیمی ترین نسخه خطی موجود شاهنامه در دنیا است؛ شاهنامه‌ای از قرن دهم هجری با مقدمه بایسنفری، در ۸۷۷ صفحه با ۱۹۲ مینیاتور؛ نسخه دیگری به خط نستعلیق از همان قرن با پنجاه مینیاتور؛ و نسخه‌ای مکتوب در سال ۱۱۳۸ ه.ق، با ۱۴۳ مینیاتور به خط نستعلیق. در کتابخانه انستیتوی ملل آسیا در مسکو نیز نسخه‌ای از شاهنامه فردوسی موجود است که در سال ۸۴۹ ه.ق کتابت شده است.

یوری مار، خاورشناس برجسته روسی، چندین مقاله در روزنامه‌های شوروی، درباره فردوسی و شاهنامه نوشته است که از آن میان می‌توان به مقالات زیر اشاره کرد: «جشن هزار ساله فردوسی» در روزنامه کارگر تفلیس، شماره ۱۱۴ - ۳۲۰۸ - ۱۸ مه ۱۹۳۴؛ «نقشه ایران در زمان فردوسی» در روزنامه طلوع شرق، شماره ۱۴۵ - ۲۳۵۶ - ۲۳ ژوئن ۱۹۳۴؛ «فردوسی و شاهنامه» (ترجمه به زبان ترکی توسط کئی. یاریا) در روزنامه قمرز رنگ لره، شماره ۲۰ - ۶ ژوئیه ۱۹۳۴؛ «شاهنامه و فردوسی حنقنده اسکی وینی معلومات» (به زبان ترکی) در مجله انقلاب و مدیثت، صص ۱۹-۲۶؛ «فردوسی و اشعار جهان»، در مجله ادبیات، مسکو ۱۹۳۵؛ «وزن شعری شاهنامه» هم خطاب‌های است که در کنگره فردوسی در تهران خوانده و جداگانه چاپ شده است. البته مقالات دیگری هم از یوری مار درباره فردوسی و شاهنامه در دست است (پیام نو ۱۳۲۳ - ۱۳۳۳: صص ۱۵۴، ۱۵۵؛ فاطمه سیاح ۱۳۵۴: ص ۲۲؛ شجاع‌الدین شفا ۱۳۴۸: ج ۱، صص ۶۲۳، ۶۲۴، ۷۰۲، ۹۲۰، ۹۳۶، ۱۲۰۵ - ۱۲۰۸، ۱۲۱۵ - ۱۲۱۷، ۱۲۵۷، ۱۲۶۵، ۱۲۷۷، ۱۲۷۹؛ ج ۲، صص ۵۰، ۷۳، ۸۵).

گرجی:

اثر جاویدان فردوسی و نوشته‌های مقلدین و اقتباس کنندگانش در طی قرون پانزده تا هیجدهم میلادی، توسط چند نفر به نظم و نثر گرجی درآمده است. در ۱۹۱۶ م، جلد اول روایات گرجی شاهنامه به اهتمام جی. آبولادزه^۱ چاپ شد. جلد دوم این روایات، زیر نظر جی. آبولادزه، ای. بارامیدزه^۲، کیکه لیدزه^۳، پی. اینگوروقوا^۴ و ای. شانیدزه^۵ در

1. J. Abuladze

2. A. Baramidze

3. K. Kekelidze

4. P. Ingorokva

5. A. Shanidze

سال ۱۹۳۴ منتشر شد. جلد سوم این روایات را دی. کویبیدزه آماده چاپ کرده است. پرکارترین ایران‌شناس گرجستان، د. کویبیدزه، تحقیقات مفصلی درباره شاهنامه و روایات گرجی آن به عمل آورده است. نتیجه فعالیت ثمربخش وی را در کتاب روایات گرجی شاهنامه و مآخذ فارسی آنها می‌توان ملاحظه کرد. این کار علمی پرارزش در سال ۱۹۵۹ چاپ شد. در ۱۹۳۴ (و ۱۹۳۵) کتاب فردوسی و روابط ادبی و هنری ایران - گرجستان^۱ تألیف بارامیدزه، در تفلیس چاپ شد. همچنین در ۱۹۳۴، فهرست نمایشگاه فردوسی و روابط ادبی و هنری گرجستان و ایران، تألیف ای. بارامیدزه و پی. اینگوروقوا، به زبان‌های گرجی و روسی در تفلیس انتشار یافت. در ۱۹۶۵، شرحی درباره چهره زن در شاهنامه^۲ در تفلیس به چاپ رسید (سخن: ص ۵۲۰، شجاع‌الدین شفا ۱۳۴۸: صص ۷۵۷-۷۵۸، ۱۱۱۸-۱۱۱۹، ۱۱۲۰).

بخش دوم - ترجمه‌های شاهنامه در زبان‌های مهم شوروی (سابق)

ارمنی:

آشنایی با شاهنامه فردوسی تقریباً مقارن با پایان زندگانی خود فردوسی، در ارمنستان آغاز شد. در رساله گریگور ماگیستروس^۳، متفکر، مورخ و شاعر نامی ارمنی قرن یازدهم میلادی (قرن پنجم هجری) که زبان‌های فارسی و عربی را به خوبی می‌دانست، اشارات متعدد به فصول مختلف شاهنامه، مخصوصاً به خوان سوم از هفت خوان رستم در مازندران و نبرد او با دیو سپید و اژدها شده است. به تدریج نفوذ شاهنامه در ارمنستان به قدری زیاد شد که برخی از شعرای ارمنی اصولاً اصل و نسب قهرمانان این اثر را ارمنی دانستند. برای مثال، در یکی از آثار ادبی برجسته ارمنی ادعا شده است که «در قدیم‌الایام، در شهر ساسون ارمنستان شخصی به نام زال پادشاهی می‌کرد که از او پسری به نام رستم پهلوان زاده شد». در بعضی از این آثار، برزو، فرزند سهراب و نواده رستم،

1. *Ferdousi i gruzino-iranskije svyazi o literature i iskusstve*

2. *Zametki o zhenskikh obrazakh Shakh-Naime*

3. Grigor Magistros

از نوادگان ساسون قهرمان ملی ارمنستان به شمار آمده است. بعدها اصولاً حماسه‌ای به نام داستان رستم زال در ارمنستان به وجود آمد، که ترکیبی از شاهنامه فردوسی و ادبیات عامیانه و افسانه‌های ملی ارمنی بود. زیباترین فصل این حماسه، داستان سیاوش، عشق و مرگ او، و رهایی فرزندش کیخسرو از اسارت و ماجرای پادشاهی وی است. کونستاندین یرزینکاتسی^۱، شاعر ارمنی، یادآوری کرده است که تا قرن سیزدهم میلادی در ارمنستان، شاهنامه خوان‌های حرفه‌ای شاهنامه را با آهنگ مخصوص می‌خواندند. مدارک مختلفی که از آن زمان در دست است نشان می‌دهد، مردم ارمنستان به داستان‌های پیکار متمدن ایرانیان و تورانیان که در شاهنامه آمده است، بسیار علاقه‌مند بودند؛ به طوری که آنها را در ردیف داستان‌های ملی خود قرار دادند و بر اساس افسانه زال و رستم، اثر حماسی منظوم بسیار معروف ارمنی به نام ساسناتسر^۲ (دلاور روین تن) را پدید آوردند.

درباره ترجمه شاهنامه یا بخش‌هایی از آن در سده‌های اخیر، گذشته از آثار متعدد گریگور ماگیستروس که درباره ایران اسلامی و به‌ویژه داستان‌های حماسی ایران، از جمله رستم و اسفندیار نوشته است، پیشینه آن به اواخر قرن نوزدهم می‌رسد. نخستین بار در ۱۸۹۳ م، ترجمه رستم و سهراب فردوسی به همت ساموئل گلزادیانتس^۳ به شعر ارمنی، در ایروان منتشر شد و سال بعد از آن (۱۸۹۴ م) ترجمه داستان سیاوش شاهنامه و در همان سال، ترجمه داستان ضحاک با عنوان ضحاک یوراسی دیو صفت، به اقتباس از شاهنامه توسط گلزادیانتس در ایروان انتشار یافت. در ۱۹۰۹ تیریاکیان، زبان‌شناس و پژوهشگر ارمنی در نیویورک، داستان اردشیر پاپکان را از منابع گوناگون فارسی به ارمنی برگرداند. در ۱۹۲۴، آساطور^۴ فارغ‌التحصیل رشته ایران‌شناسی دانشکده خاورشناسی دانشگاه ایروان، داستان شورانگیز بیژن و میژه را به ارمنی ترجمه کرد. سال ۱۹۳۴ به مناسبت جشن هزاره فردوسی، مترجمان ارمنی تصمیم گرفتند که هر کدام قطعه‌ای از

1. Konstandyn Erzinkatsy
3. S. Gulzadiantz

2. Sasnatsrer
4. G. Asatur

شاهنامه را به ارمنی برگردانند و به‌کنگره برگزاری جشن‌های هزاره فردوسی تقدیم کنند. آساطور هم چون دیگران بدین مناسبت داستان رستم و سهراب را ترجمه کرد که در ایروان چاپ شد. در همین سال (۱۹۳۴ م)، ترجمه سه قطعه از شاهنامه به شعر و به زبان ارمنی توسط میرزیانوس، در تهران چاپخانه فاروس انتشار یافت و نیز، منتخب فردوسی (به مناسبت هزاره فردوسی) از سوی مرکز دولتی نشریات ارمنستان در ایروان چاپ شد. در این سال، اثر دیگری هم با عنوان داستان رستم و اسفندیار روین‌تن از شاهنامه به زبان ارمنی توسط اس. تارونسی^۱ در ایروان انتشار یافت. روبن آبراهامیان^۲ فارغ‌التحصیل دانشگاه پترسبورگ، که بین سال‌های ۱۹۲۱ تا ۱۹۴۶ در ایران به تدریس مشغول بوده و دارای تألیفات گوناگونی در زمینه ادبیات ایران و ارمنستان است، قطعه بهرام گور و آزاده را به ارمنی برگرداند. در ۱۹۳۴، هوسپ میرزائیان نماینده ایرانیان ارمنی در دوره‌های اول، دوم و سوم مجلس شورای ملی، قطعه رستم و اسفندیار، رستم و سهراب، رستم و اشکبوس را به شعر ارمنی برگرداند. دارونتزی^۳، یکی دیگر از مترجمان ارمنی، گزیده‌ای از شاهنامه را ترجمه کرد. در ۱۹۳۷ نمایشنامه سیاوش^۴ در پنج پرده، تألیف اچ. جاوید، در ایروان منتشر شد. در ۱۹۶۱، ترجمه بخشی از شاهنامه به زبان ارمنی توسط مهرداد تیریکیان، در نیویورک چاپ شد. در ۱۹۶۲، داستان سیاوش از شاهنامه فردوسی ترجمه سرگنی عمریان^۵ در ایروان انتشار یافت. همین شخص در ۱۹۶۴، داستان زال و رودابه^۶ و در ۱۹۶۷، داستان رستم و سهراب^۷ را از شاهنامه به ارمنی ترجمه و در ایروان منتشر کرد. داستان اخیر دارای پیش‌گفتار کاملی پیرامون زندگی فردوسی، همراه با تصاویر هنرمندانه گاسپاریان است. همچنین در مقدمه این کتاب به دو قطعه شعر شکوه فردوسی از پیری و مرثیه فردوسی در مرگ فرزند اشاره شده و از داستان شاه مات نیز ذکری به میان آمده است.

1. S. Taronsy

2. Rouben Abrahamian

3. Taronetsi

4. Siavush

5. S. Umariana

6. Zal i Rudabe

7. Rostam i Sokhrab

نکته آخر اینکه، فردوسی در شاهنامه خویش از رزمندگان و نام آوران بلند آوازه ارمنی با بزرگداشت خاصی یاد کرده است (آلک خاچادریان ۱۳۵۷: صص ۲۷ - ۳۰، شجاع‌الدین شفا ۱۳۴۸: ج ۱، هراند فوکاسیان: صص ۵۱۸-۵۲۰).

ازبکی:

در سال‌های اخیر، اصل متن یا ترجمه بسیاری از آثار کلاسیک ادبیات فارسی در جمهوری‌های ازبکستان و تاجیکستان و ترکمنستان انتشار یافته است. علاوه بر متن کامل شاهنامه فردوسی در نه جلد (چاپ دوشنبه، ۱۹۶۵-۱۹۶۶ م)، ترجمه کاملی از شاهنامه فردوسی به زبان ازبکی در دست است که به همت آخوند ملاخاموش صورت گرفته است. از این ترجمه یک نسخه خطی خوب که در ۱۰۹۳ م نوشته شده است و یک نسخه خطی دیگر که تاریخ ۱۲۲۶ هـ ق را دارد، در اختیار کتابخانه تاشکند است. در ۱۹۰۵، ترجمه ازبکی شاهنامه در ۶۷۰ صفحه در تاشکند به چاپ رسیده است (شجاع‌الدین شفا ۱۳۴۸: ج ۱، ص ۷۰۵).

اوکرائینی:

ظاهراً نخستین اثری که درباره ایران در اوکرائین انتشار یافت کتاب مطالعاتی درباره ایران^۱ بود که در ۱۸۸۳ م، توسط بک^۲ در کیف^۳ به چاپ رسید. ولی مطالعات واقعی ایران‌شناسی در اوکرائین مرهون دانشمند برجسته‌ای به نام آنافانگل کریمسکی^۴ است که باید او را از بزرگ‌ترین ایران‌شناسان روسیه دانست. قسمتی از آثار کریمسکی، ترجمه‌های ادبی، به ویژه ترجمه آثار بزرگ ادبیات کلاسیک ایران، مانند اشعار فردوسی، خیام، سعدی، حافظ و جامی است. مهم‌ترین این ترجمه‌ها، ترجمه شاهنامه به زبان اوکرائینی است که در ۱۸۹۶ به نام شاهنامه یا تاریخ شاهان ایران^۵ در کیف منتشر شد، و چاپ بهتری از آن نیز بعداً در

1. *Etyudy po Persii*

2. S. Beck

3. Kiev

4. A. Iu. Krimskiy

5. *Shah-Name, ili iransko kniga tsariv*

۱۹۲۲ انتشار یافت (شجاع‌الدین شفا ۱۳۴۸: ج ۱، ص ۸۳۹ - ۸۴۰، ۱۳۷۹).

تاجیکی:

با تأسیس فرهنگستان علوم تاجیکستان در ۱۹۵۱م، فعالیت‌های فرهنگی و ادبی و زبان‌شناسی روز به روز گسترش بیش‌تری یافت و گروهی از ایران‌شناسان در بخش خاورشناسی فرهنگستان به پژوهش در زمینه‌های مختلف فرهنگ ایران اشتغال یافتند. در ۱۹۵۹، منظومه‌هایی از شاهنامه فردوسی^۱ به همت اس. لپیکین^۲ ترجمه و از سوی مرکز انتشارات دولتی تاجیکستان در استالین‌آباد چاپ شد. در ۱۹۶۰، داستان کیقباد و کیکاوس^۳ از شاهنامه فردوسی توسط وی. درژاوین^۴ از سوی مرکز انتشارات دولتی تاجیکستان در استالین‌آباد انتشار یافت (شجاع‌الدین شفا ۱۳۴۸: ج ۱، ص ۱۴۰۰).

روسی:

ترجمه آثار ادبیات کلاسیک ایران در روسیه از اوایل قرن نوزدهم آغاز شد. در سال‌های ۱۸۱۰ و ۱۸۱۵ و ۱۸۱۸م، چند ترجمه ناقص روسی از فردوسی و انوری و سعدی و حافظ و جامی منتشر شد. قطعاتی از شاهنامه برای نخستین بار در ماه مه ۱۸۱۵، در شماره ۱۰ مجله درستنیک اوروی، به زبان روسی ترجمه شد و ترجمه منظومی از بیژن و منیژه، در ۱۸۱۸ در سن پترزبورگ انتشار یافت. در ۱۸۹۴، واسیلی اندری یویچ ژوکوفسکی^۵ شاعر روس، داستان رستم و سهراب^۶ را از شاهنامه به نظم روسی ترجمه کرد. این اثر هر چند ترجمه دقیقی از فردوسی نبود و تا اندازه‌ای از موضوع اصلی دور افتاده بود، ولی در آن از شیوه کلاسیک فردوسی پیروی شده بود و می‌توان گفت این ترجمه منظوم ژوکوفسکی از آثار معروف ادبیات روسی شمرده می‌شود. در ۱۹۰۵م، شاهنامه

1. *Firdousi: Poemy iz Shakh-name v Perevodkh*

2. S. Lipkina

3. *Kei-kaabad i Kei-kavus*

4. V. Derzhavina

5. Vassili Andricvitch Joukovsky

6. Rustem i Zohrab

توسط سوکولوف^۱ به نثر روسی ترجمه شد. این ترجمه حاوی همه مطالب شاهنامه از آغاز تا پایان سلطنت فریدون است و در مسکو چاپ شده است. وی همچنین در ۱۹۱۵، داستان زال و رودابه و رستم و سهراب را به روسی ترجمه کرد که در مسکو منتشر شده است. در ۱۹۱۵، کریمسکی مستشرق معروف روسی، داستان فریدون و ضحاک و قسمت‌هایی از رستم و سهراب را از شاهنامه ترجمه و در مسکو چاپ کرد. همچنین در ترجمه دیگری کریمسکی از آغاز شاهنامه تا سلطنت منوچهر را به زبان روسی به شعر در آورده است که این کتاب یکبار به سال ۱۸۹۶، در لوف^۲ و بار دیگر به سال ۱۹۲۲، در کیف چاپ شد. کریمسکی در اثر معروف خود به نام تاریخ ایران و ادبیات آن، که در ۱۹۱۳ در مسکو به طبع رسیده است، شاهنامه را کتاب با عظمتی می‌داند که بر شالوده‌های مذهبی و ملی ایران استوار است و جنگ‌های دایمی ایران و توران را مظهر جنگ خیز با شر (اهورمزدا و اهریمن) می‌داند. فایده چنین کتابی در تعلیم و تربیت ملی ایران و تأثیراتی که در ادبیات قرون وسطای اروپا، مخصوصاً در ادبیات روسیه بخشیده، مستغنی از وصف و بیان است. مستشرق مذکور، قسمت مفصلی از شاهنامه را هم که به قلم سوکولوسکی ترجمه شده، در کتاب خود درج کرده است. در ۱۹۳۰م، داستان ضحاک و کاوه، افسانه باستانی ایران، توسط و. آرنندت، تألیف و ترجمه و در مسکو چاپ شد. در ۱۹۳۴، دیاکونوف رزم گودرز با پیران^۳ و قسمتی از داستان بیژن و منیژه را در مسکو انتشار داد. در همین سال، ام. لوزینسکی^۴ دست به ترجمه و نگارش بهرام گور و آزاده^۵ از شاهنامه زد که در همان سال در لنینگراد طبع شد. در ۱۹۳۴ منتخب شاهنامه ابوالقاسم فردوسی طوسی، ترجمه ام. لوزینسکی، با تصحیح و تفسیر و مقاله‌ای از اف. ای. روزنبرگ^۶

1. Sokoloff

2. Lvov

3. *Bitva Gudarza S Piranom O tryvok iz rasskaza O Bizhane i Manizhe*

4. M. Lozinski

5. *Bakhran Gur i Azadi*6. Firdausi, Abul-l Kasim Al-Tusi: *Kniga tsarei Shakh-name. Izbrannye mesta. Per M. Lozinskogo pod red., S Komm. I statei F. A Rozenberga.*

در مسکو و لنینگراد چاپ شد. ژوزف آرbelی^۱ در ۱۹۳۴، شاهنامه را ترجمه کرد. در ۱۹۴۹، منتخباتی از شاهنامه ابوالقاسم فردوسی^۲ توسط وی. درژاوین^۳ ترجمه و با مقدمه ام. یاریچ^۴، از سوی مرکز انتشارات دولتی تاجیکستان در استالین‌آباد چاپ شد. متن تجدید نظر شده^۵ این چاپ در ۱۹۵۴ مجدداً انتشار یافت. داستان بهرام چوبینه، از شاهنامه ابوالقاسم فردوسی^۵ در ۱۹۵۲، توسط اس. لیبکین ترجمه و در استالین‌آباد منتشر شد. همچنین در ۱۹۵۵، بخشی از اشعار شاهنامه فردوسی^۶ توسط لیبکین ترجمه و با مقدمه مترجم چاپ شد. از کارهای مهمی که در زمینه فرهنگ و ادب ایران در شوروی صورت گرفته، ترجمه متن کامل شاهنامه فردوسی به نظم روسی، در شش جلد است. این ترجمه از سال ۱۹۵۵ زیر نظر آکادمی علوم اتحاد شوروی آغاز شده و نخستین جلد آن در ۱۹۵۷ و جلد‌های دوم و سوم در ۱۹۶۰ و ۱۹۶۵ انتشار یافته است، که بر روی هم، آغاز شاهنامه را تا پادشاهی لهراسب شامل می‌شود. این چاپ با استفاده از متن فارسی نسخه‌های متعدد شاهنامه، از جمله دو نسخه از نفیس‌ترین نسخه‌های خطی این کتاب در جهان، (نسخه شاهنامه بایسنغری کتابخانه سلطنتی ایران که در ۱۹۵۸ به تقاضای این آکادمی عکس‌برداری و ارسال شد، و نسخه شاهنامه کتابخانه ملی لنینگراد) انجام گرفته است و هیأتی از متخصصان زبان و ادبیات فارسی مأمور این کار بوده‌اند. همچنین در ۱۹۵۷، ترجمه شاهنامه فردوسی به زبان روسی با نظارت و تصحیح آی. براگینسکی و اس. شروینسکی^۷ تنظیم و با مقدمه‌ای از آی. براگینسکی، توسط مرکز انتشارات دولتی آثار ادبی در مسکو چاپ شد. در ۱۹۵۹، رستم و سهراب^۸ توسط وی. درژاوین ترجمه و با مقدمه و تصحیح و توضیحات ان. عثمانوف در مسکو انتشار یافت. در ۱۹۲۶، داستان

1. Joseph Orbely

2. *Abul-kasim Firdousi: iz Shakhname*

3. V. Derzhavin

4. M. Iavich

5. (*Abul-kasim Firdousi: Skazanie o Bakhrame Chubina. Iz Shakhname*)

6. Firdousi: *Shakh-Name Poemy*

7. S. Shervinskogo

8. *Rustam I Sohrab*

دلآوری بهرام چوبینه^۱ توسط ال. ان. گومیلف^۲ گردآوری و با ترجمه مآخذ و دیباچه و حواشی در لنینگراد منتشر شد. در ۱۹۶۴، شاهنامه فردوسی^۳ توسط وی. درزاوین و اس. لیبکین ترجمه و با نظارت گروهی از خاورشناسان نظیر آی. براگینسکی، بی. غفوروف، ام. تورسونزاده^۴، با مقدمه آی. براگینسکی و نویسندگی ان. عثمانوف، در دو جلد و ۱۹۶۴ صفحه، توسط مرکز انتشارات دولتی آثار ادبی در مسکو به چاپ رسید (ایرج افشار ۱۳۵۴: ص ۲۸۳؛ پیام نو ۱۳۲۳ - ۱۳۲۳: ص ۱۵۴؛ شجاع‌الدین شفا ۱۳۴۸: ج ۱، صص ۶۲۵، ۷۰۵، ۱۱۵۲، ۱۲۰۱، ۱۲۰۵ - ۱۲۰۷، ۱۲۴۲، ۱۲۴۹، ۱۲۵۶، ۱۲۷۹، ۱۲۹۱، ۱۳۸۹، ۱۳۹۳، ۱۴۰۰؛ ج ۲، صص ۵۰، ۷۳؛ ذبیح‌الله صفا ۱۳۵۲: صص ۲۲۰ - ۲۲۱؛ مهدی فروغ ۱۳۶۳: ص ۴۱۷؛ سعید نفیسی: ص ۷۱).

گرچی:

روابط فرهنگی ایران و گرجستان سابقه‌ای دو هزار و پانصد ساله دارد که دست‌کم از هزار سال اخیر آن، اطلاعات زیادی در دسترس هست. شاهنامه فردوسی در قرن دوازدهم میلادی (ششم هجری)، یعنی اندکی بعد از وفات فردوسی، به زبان گرجی ترجمه شد. از این اولین ترجمه، اکنون اثری در دست نیست؛ اما ترجمه‌های متعدد دیگری از قسمت‌های مختلف شاهنامه به زبان گرجی در قرون پانزدهم تا هیجدهم به نظم و نثر صورت گرفته که امروزه همه آنها در دست است. مهم‌ترین این ترجمه‌ها، رستومانی (رستم‌نامه) است که در آن، فصول مربوط به تولد زال تا مرگ گشتاسپ ترجمه شده است. قسمت اساسی این ترجمه توسط سرافیون سباشویلی، ادیب معروف گرجستان (ف ۱۵۱۶م) در اواخر قرن پانزدهم و اوایل قرن شانزدهم انجام گرفته و ترجمه قسمت آخر آن توسط خسرو تورمانیدزه^۵ (ف ۱۵۸۸م) صورت پذیرفته است. این هر دو ترجمه منظوم است. رستومانی در ۱۸۹۱، در تفلیس چاپ شده است. در ۱۸۹۱، بزانیانی (بیژن‌نامه) از شاهنامه توسط همین خسرو تورمانیدزه، در تفلیس انتشار یافت. البته در قرن هفدهم

1. *Podvig Bakhrama Chubina*

2. L. N. Gumileva

3. Firdousi: *Shakh-name* (V dvukh knigakh)

4. M. Tursun-Zade

5. Khosrov Turmanidze

پژوهش‌ها و ترجمه‌های مربوط به فردوسی و ... ۲۱۹

منظومه‌ای به زبان گرجی به نام زآکبانی (ضحاک‌نامه) توسط ماموک تاواکلاشویلی انتشار یافت که ترجمه سرگذشت ضحاک و فریدون شاهنامه بود. در همان زمان، منظومه گرجی دیگری به نام اوتروتیان سآمیانی (سام پهلوان) توسط باردزیم واجنادزه منتشر شد، که شامل فصول مربوط به آغاز پادشاهی کیومرث تا تولد زال بود. اندکی بعد، ترجمه‌هایی به نثر گرجی به نام پریدونبانی (فریدون‌نامه) و سآمیانی (سام‌نامه) انتشار یافت. در سال‌های اخیر، تحقیقات جامعی درباره شقوق گرجی شاهنامه و ترجمه‌های فصول مختلف این کتاب، در تفلیس انتشار یافته است. در ۱۹۳۴، شاهنامه ابوالقاسم فردوسی به همت جی. آبولادزه و عده‌ای دیگر، با مقدمه و تفسیر و تحشیه آی. بهرامیدزه^۱، در تفلیس چاپ شد و در ۱۹۶۲، منتخبات شاهنامه فردوسی توسط ای. ای. گواخاریا^۲ در تفلیس منتشر شد (سخن: ص ۵۲۰؛ شجاع‌الدین شفا ۱۳۴۸: ج ۱، صص ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۹-۷۶۱، ۱۴۰۰، ۱۴۱۵، ۱۴۲۰، ۱۴۲۷، ۱۴۲۷؛ ذبیح‌الله صفا ۱۳۵۲: ص ۲۱۷).

کتابنامه

- افشار، ایرج. ۱۳۵۴. مجموعه کینه. تهران. نشر نگاه.
- پام نو. ۱۳۲۳ - ۱۳۳۳. «یوری نیکولایویچ مار»، د ۱، ش ۳. تهران: انجمن روابط فرهنگی ایران و اتحاد جماهیر شوروی (سابق). صص ۱۵۴ - ۱۵۵.
- خاجادریان، آلك. ۱۳۵۷. «ترجمه شاهنامه به زبان ارمنی»، دل‌ها و اندیشه‌ها (ویژه فردوسی)، ماهنامه رادیو و تلویزیون، ش ۳. صص ۲۷ - ۳۰.
- سخن. د ۲۱، ش ۵. ص ۵۲۰.
- سیاح، فاطمه. ۱۳۵۴. نقد و سیاحت. به کوشش محمد گلبن. تهران: توس.
- شفا، شجاع‌الدین. ۱۳۴۸. جهان ایران‌شناسی. تهران: کتابخانه پهلوی.
- صفا، ذبیح‌الله. ۱۳۵۲. حماسه‌سرایی در ایران. ج ۳. تهران: امیرکبیر.
- فروغ، مهدی. ۱۳۶۳. شاهنامه و ادبیات. تهران: هنر و فرهنگ.
- فوکاسیان، هراند. «شاهنامه فردوسی به زبان ارمنی»، ارمنغان، د ۳۶، ش ۱۰. صص ۵۱۸ - ۵۲۰.
- نقیسی، سعید. «فردوسی شاعر جهان»، فردوسی‌نامه مهر. صص ۶۸ - ۷۲.



پروفیسر شمیم شاہد کاہنہ کی زیر اہتمام

پرتال جامع علوم انسانی